

مقاله پژوهشی

نگاه به بناها و شهرهای تاریخی به مثابه متن رویکرد روایتگری در حفاظت*

کیمیا وفایی گیلوایی^۱، سجاد مؤذن^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی (گرایش میراث شهری)، گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت

ایران، تهران، ایران

۲. استادیار گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

چکیده

هر ساختار نظری در جهت حفظ میراث فرهنگی باید بتواند به سؤال «چگونگی» ادامه حیات بناها و محوطه‌های تاریخی پاسخ دهد و از آن جایی که مدرنیته بندهای ارتباطی ما با سنت و گذشته خود را قطع کرده، ساختار ارائه‌شده جدید باید تلاشی برای برقراری این ارتباط از دست رفته باشد. به همین دلیل پژوهش پیش‌رو تلاشی است در جهت ارائه ساختاری جدید در زمینه حفاظت از بناها و بافت‌های تاریخی تا بتوان با کمک آن به این میراث، حیاتی دوباره بخشید. در این پژوهش بیان می‌شود که رویکرد روایت‌گری چگونه می‌تواند با استفاده از توانایی خود در برقراری ارتباط بین گذشته، حال و آینده، وضعیتی از وجود و ماندگاری را به این میراث اعطا کند که نه تنها بتوانند به زندگی خود ادامه دهند، بلکه از نقش خود به‌عنوان عنصری منفعل در جامعه جدا شده و به شخصیتی تأثیرگذار در زمینه خود تبدیل شوند و با هویتی مستقل به زیست خود ادامه دهند در حالی که هم‌زمان برای حفظ بقاء با «تغییرات» زمانه نیز خود را منطبق می‌کنند. در نهایت بیان می‌شود که استفاده از این رویکرد به‌صورت ساختارمند و یا مکملی در کنار دیگر رویکردها می‌تواند به نتایج پایداری در زمینه حفاظت منتهی شود. در همین راستا در پژوهش پیش‌رو رویکرد روایت‌گری در نوشته‌های افرادی چون پل ریکور، هانس گئورگ گادامر، هایدگر و نایجل والتر کنکاش می‌شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی

روایتگری، تداوم سنت، هویت، پل ریکور، گئورگ گادامر

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «کیمیا وفایی گیلوایی»، با عنوان «طرح حفاظت از هویت گمشده شهر رشت با به‌کارگیری رویکرد روایتگری، نمونه موردی باغ صفا» است که به راهنمایی دکتر «سجاد مؤذن» در گروه مرمت دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران در حال انجام است.

** نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۶۹۱۱۴۰۴ sajadmoazen@iust.ac.ir

This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

به این دلیل که، بیوگرافی‌ها عموماً به‌عنوان وقایع اتفاق افتاده و پایان‌یافته بیان می‌شوند. هم‌چنین لازم به ذکر است که بیوگرافی تلاشی در شکل‌دادن به آینده نمی‌کند به همین دلیل است که نمی‌تواند در روند حل مسئله، حیات بناها و محوطه‌های تاریخی در آینده نقشی پویا ایفا کند (Walter, 2020a). «زمان‌بندی تاریخی» یا «تاریخچه‌نگاری»^۲ نیز یکی دیگر از رویکردهایی است که به درک ما از بنا کمک بسزایی می‌کند و همیشه در حال توضیح وقایعی است که در یک بازه زمانی خاص اتفاق افتاده‌اند. با وجود این که ممکن است مترادف بیوگرافی در نظر گرفته شود اما در دو مورد صحت اتفاقات و فرایند انتخاب و سازماندهی آن، با روش بیوگرافی تفاوت آشکاری دارد. در این مورد هم به دلیل این که این رویکرد تمرکز بر شکل‌دادن به آینده یک بنا و یا محوطه تاریخی ندارد، عملاً از پرورش هویت بنا در ادامه راه زندگی خود بازمی‌ماند (ibid.). در این میان روشی که به نظر می‌تواند تمامی ابعاد زمانی میراث فرهنگی اعم از بنا، محوطه و محله را دربرگیرد «روایتگری» است. اما روایت به چه معنا است؟ در توضیح روایت بهتر است در ابتدا به معنای لغوی آن بپردازیم. در لغت‌نامه دهخدا «روایت» به معنای نقل شده، گفته شده از شخصی به شخص دیگر و در لغت‌نامه معین به‌عنوان نقل کردن مطلب و یا داستان معنا شده است. در صورتی که با نگاهی به واژه انگلیسی روایت در لغت‌نامه آکسفورد پی می‌بریم که این کلمه در اواسط قرن ۱۷ میلادی از ریشه کلمه‌ای لاتین^۳ گرفته شده و به معنای نقل شده مورد استفاده قرار می‌گرفته، اما در روند تکامل معنا، به «دانستن»^۴ تغییر پیدا کرده است. همین تغییر در معنای کلمه می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت «روایت» در ادراک جهان پیرامون ما باشد. اما در زمینه شهرها، محوطه‌ها و بناهای تاریخی، با کمک از ساموئل ولز می‌توان روایت را این چنین تعریف کرد: روایت در تلاش است تا بتواند اتحادی مابین گذشته، حال و آینده به‌وجود بیاورد و هویتی را به بنا یا محوطه تاریخی خود اعطا کند تا بتواند به‌عنوان شخصیتی مجزا و پویا به زندگی تأثیرگذاری در زمینه خود ادامه دهد و در ادامه امکان رشد و تغییر نیز داشته باشد (Wells, 1998).

لازم به ذکر است که در روایت، نقطه پایانی وجود ندارد و داستان تمام نشده است. این یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که در تعریف روایت باید در نظر گرفت، زمانی که روایتی به نقطه پایان خود رسید به زندگی خود پایان داده است و این مسئله در تضاد با هویت روایت است. در توضیح بیش‌تر این مسئله از استفان کرایتس در نوشته‌ای با عنوان کیفیت روایی تجربه بیان می‌شود که روایت به‌تنهایی می‌تواند تمام تجربه زمانی همراه با دو مؤلفه «حافظه» ترتیبی تاریخی^۵ و «آینده‌نگری»^۶ را در خود جای دهد؛ به شکلی که، تفاوتی میان شناخته شده بودن مؤلفه اول و ناشناخته بودن مؤلفه دوم دیده نشود (Crites, 1971). به این ترتیب در تعریف روایت و تمایز آن با دو عبارت بیان شده در بالا می‌توان به این موارد اشاره کرد که اول، روایتگری در تلاش است تا با برقراری ارتباط بهتر بین جامعه و میراث فرهنگی به‌عنوان یک مفصل، زمان‌ها را به یکدیگر

متصل کند. دوم این که، در این تلاش خود، نقطه پایانی ندارد چراکه برای زنده‌نگه داشتن یک بنا و یا محوطه تاریخی به ادامه‌دار بودن شخصیت و هویت آن نیاز است و تداوم در حفظ هویت و شخصیت این قابلیت را نیز در بناها، محوطه‌ها و البته در طرح‌ریزی برنامه‌های حفاظتی آن‌ها به‌وجود می‌آورد که همیشه در مقابل «تغییرات» رویکردی روشن‌گرایانه و غیرمحافظة‌کارانه را پیش بگیرند. در نتیجه عدم وجود تلاش در جهت تغییر و ارتقاء یا به معنی دیگر سکون به از دست رفتن روایات می‌انجامد.

ذات روایات

نگاه به بناها و شهرها به‌عنوان روایات، ایده جدیدی به‌شمار نمی‌آید. در سال ۲۰۱۰ ادوارد هالیس نویسنده کتاب زندگی پنهان بناها، آن‌ها را به‌عنوان روایات معرفی می‌کند و تاریخ معماری را در قالب سیزده داستان روایت می‌کند، اما تا به حال هیچ تلاشی در جهت ارائه زمینه‌های تئوریک برای این حوزه صورت نگرفته است (Hollis, 2010). روایات در قالب وقایع زندگی شده و اتفاق افتاده، یکی از مهم‌ترین عوامل در درک تغییرات در ابعاد شهر، محله و بنا است. مؤلفه‌ای است به معنای استمرار هویت در مکانی که «تغییر کردن» از ویژگی‌های غیرقابل انکار زندگی در آن است. به همین دلیل است که رویکرد روایتگری بر استمرار گذر زمان تمرکز دارد و به‌عنوان مؤلفه مثبتی به نشانه پویابودن بناها و محله‌های تاریخی به‌شمار می‌رود، بدین معنا که کمک می‌کند تا ساختمان‌ها و محوطه‌های تاریخی در گام نخست نه به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های هنری-تاریخی، بلکه به‌عنوان عناصری «میان‌نسلی»^۷، «اجتماعی»^۸ و «درحال رشد»^۹ در جامعه خود درک شوند. در توضیح این گزاره نایجل والتر^{۱۰} در کتاب خود به نام تئوری روایتگری در حفاظت^{۱۱} بیان می‌کند: عبارت «میان‌نسلی» به معنای اهمیت در برقراری ارتباط مؤثر با گذشته به‌خصوص سنت؛ «اجتماعی» به معنای قبول نقش نسل‌های فعلی و آینده در ادامه حیات میراث؛ «درحال رشد» به این معنا که داستان میراث هنوز به پایان خود نرسیده است و در نهایت «روایت» به معنای مؤلفه‌ای سودمند در ایجاد ارتباطی مؤثر و مستمر در زمان (گذشته، حال و آینده) هستند (Walter, 2020b). درک اینبه و محوطه‌های تاریخی نه به‌عنوان جزئی از یک کل، بلکه خود به‌عنوان یک کل منسجم مقصود اصلی این تعریف است؛ به‌گونه‌ای که هم مرتبط با نسل خود است و هم این امکان را فراهم می‌آورد تا بتواند با آینده منطبق شود. در کنار متعلق به جامعه خودبودن و ارتباط مؤثر با افراد حاضر، همیشه در حال پیشرفت و رو به‌سوی آینده دارند. این مؤلفه‌ها همگی در کنار یکدیگر مانند چرخ‌دنده‌هایی عمل خواهند کرد که به ادامه حیات بناها و محوطه‌های تاریخی کمک بسزایی می‌کنند و یکی بدون حضور دیگری کارکرد مناسبی ندارد. امکان برقراری ارتباط مؤثر با جامعه و هم‌چنین امکان درگیری روایات در زمینه‌های متفاوت اعم از مسائل بسیار پیچیده تا پیش‌افتاده‌ترین اتفاقات زندگی را می‌توان از دلایل اصلی دانست که حوزه روایتگری

بنابر آن چه گفته شد، جهت‌گیری روایات به سمت آینده و گذشته است و نتیجه‌گیری و استفاده از آن همواره به عهده متخصصی است که بتواند بهترین ادراک را از آن داشته باشد. هم‌چنین در تضادی آشکار با روش ارزش‌گذاری تاریخی که در حال حاضر بسیار مورد توجه و کاربرد است؛ روشی که در آن بناها و محوطه‌های تاریخی عموماً براساس اجزای خود ارزش‌گذاری می‌شوند و معمولاً ارتباط آن‌ها با زمینه خود در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. در انتها می‌توان نتیجه گرفت که روایات یکی از رابط‌های مهم برای هر بنا و محوطه تاریخی با افراد حاضر در جامعه خود هستند و این ارتباط خود را از طریق ساخت، ترمیم و یادآوری هویت از دست‌رفته خود به دست می‌آورند.

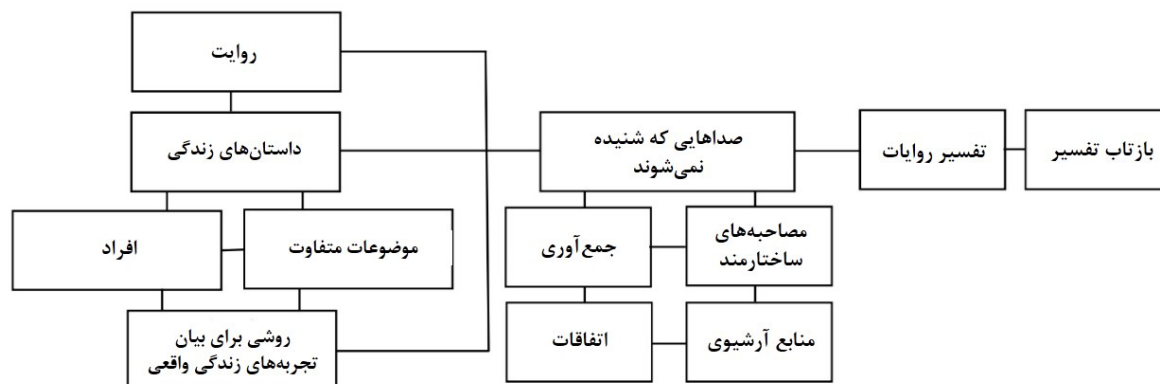
نمونه موردی

با وجود این‌که روایتگری در زمینه‌های فلسفی سابقه‌ای طولانی دارد، اما تنها چند سال است که به صورت تخصصی در حوزه حفاظت مورد پژوهش و به‌عنوان شیوه‌ای برای تحلیل داده‌ها مورد استفاده متخصصین قرار می‌گیرد. کتب و مقالات از جمله این پژوهش‌ها هستند اما در بوتۀ عمل موارد اندکی وجود دارند که می‌توان از آن‌ها نام برد؛ برای مثال، درباره روایتگری و روش به‌کارگیری آن به‌طور مختصر می‌توان به پروژهای رجوع کرد که در آن ویهان رانگ^{۲۷} در سال ۲۰۲۲ به برقراری ارتباط روایت و میراث فرهنگی با نام بررسی ارزش حیاط‌های کنفوسیوسی در چین در حفاظت از معماری^{۲۸} پرداخته و سعی کرده است تا با استفاده از این رویکرد بتواند چنین میراثی را در چین زنده کرده و باعث رشد آن در آینده شود. او هم‌چنین در پژوهش کوتاه خود با همین نام شیوه اتخاذشده خود جهت جمع‌آوری روایات را به شکلی مختصر در قالب تصویر ۱ قابل مشاهده است. او در این باره می‌نویسد که برای گردآوری روایات به بهترین شکل و برای بررسی و تنظیم طرح حفاظتی موردنظر خود، ابتدا شروع به مشاهده آن‌ها می‌کند که این شناسایی بخش مهمی از کار وی را تشکیل می‌دهد. در مرحله بعدی او شروع به شنیدن آن دسته از روایاتی می‌کند که تا به حال شنیده نشده‌اند و در خصوص ثبت آن‌ها شروع به جمع‌آوری اطلاعات می‌کند و درنهایت روایات

به دست آمده را تفسیر کرده و سعی می‌کند تا چنین تفاسیری را در جامعه‌ای که روایات را دربرگرفته‌اند بازتاب دهد (Rong & Bahauddin, 2023) روش ارائه‌شده در این پژوهش گرچه برای نویسنده آن مؤثر واقع شده است، اما می‌تواند مطابق با نیازها و وضعیت‌های موجود هر پروژه تغییر کند و به مراحل آن افزوده و یا از آن کم شود.

نتیجه‌گیری

آینده حفاظت به‌عنوان یک کل منسجم در رسیدن به نتیجه‌ای سودمند و در رابطه‌ای درست با حفاظت و زمینه‌های نظری آن استوار است. حفاظت مبتنی بر ارزش، محدودیت‌های بسیاری دارد به‌خصوص در ارتباط با بناهای زنده‌ای که باید گذشته پیچیده آن‌ها کنکاش شود. به‌علاوه، آن فشارهای مضاعفی که درباره چگونگی استفاده از آن‌ها نیز وجود دارد و نیازمند حل شدن است. چراکه این رویکرد، ارزش‌های اشتراکی-اجتماعی را به نسل فعلی محدود می‌کند؛ هم‌چنین می‌تواند مورد سوءاستفاده آن دسته از به اصطلاح متخصصانی قرار بگیرد که فاقد دانش کافی برای اقدام مسئولانه هستند. با وجود این محدودیت‌ها درباره هویت بناها و محوطه‌های تاریخی -به‌خصوص آن دسته که با نام «بناهای زنده» خطاب می‌شوند- مهم‌ترین قدم در بهبود برآیند حفاظت، پی‌ریزی ساختار نظری جدید است. ساختاری جدید با نام رویکرد روایتگری که با استفاده از آن بتوان ارتباطی بین مردم و میراث فرهنگی به‌وجود آورد. روشی که می‌تواند بناها و محوطه‌ها را به‌عنوان شخصیت و هویتی مجزا ببیند و این امکان را به آن‌ها بدهد تا تأثیر خود را در محیط پیرامونشان داشته باشند. درک این موضوع که ساختمان‌های زنده، مکان‌هایی برای تولیدات فرهنگی مستمر باقی می‌مانند، حفاظت را قادر می‌سازد تا جایگاه واقعی خود را در بسیاری از موارد حفظ کند. این رویکرد نه تنها در مورد میراث از هر نوع می‌تواند سودمند باشد، بلکه به‌طور گسترده‌تر برای حفاظت به‌عنوان یک کل منسجم نیز کاربرد خواهد داشت. رویکرد روایتگری می‌تواند جایگزین و یا مکملی مناسب برای روش‌های مورد استفاده



تصویر ۱. روش استفاده‌شده در گردآوری روایات توسط ویهان رانگ. مأخذ: نگارندگان.

قبلی باشد، روشی که با ایجاد ساختاری مشخص و هدفی بلندمدت، به بقاء و زندگی بناها و محوطه‌های تاریخی از هر نوع می‌تواند کمک کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Narrative Conservation
۲. Chronology
۳. Narrare
۴. Gnarus
۵. Chronicle of memory
۶. Scenario of anticipation
۷. Intergenerational
۸. Communal
۹. Ongoing
۱۰. Nigel Walter معمار بریتانیایی و متخصص در زمینه حفاظت از بناهای تاریخی.
۱۱. Conservation In Theory Narrative
۱۲. Hardy 1924-2016 Barbara، محقق ادبی بریتانیایی.
۱۳. Ricoeur 1913-2005 Paul، فیلسوف و ادیب برجسته فرانسوی.
۱۴. Whole Coherent
۱۵. Edmund Burke ۱۷۲۹-۱۷۹۷، سیاستمدار، اقتصاددان و فیلسوف انگلیسی- ایرلندی.
۱۶. MacIntyre ۱۹۲۹ Alasdair، فیلسوف اسکاتلندی-آمریکایی.
۱۷. Dialogical
۱۸. Hans-Georg Gadamer 1900-2002، از پیشگامان هرمنوتیک فلسفی.
۱۹. Fusion of Horizons
۲۰. Living Value
۲۱. Fusion of Horizons
۲۲. Conservative
۲۳. Time and Narrative
۲۴. Opacity of Narrative
۲۵. William Dowling 1944، استاد برجسته ادبیات انگلیسی و آمریکایی.
۲۶. Soren Kierkegaard 1855-1813، فیلسوف برجسته دانمارکی.
۲۷. Weihan Rong
۲۸. Exploring the value of Chinese Confucian courtyards in architectural conservation

فهرست منابع

- Andrew McClelland, D. P. M. (2013). A values-based approach to heritage planning: raising awareness of the dark side of destruction and conservation. *The Town Planning Review*, 84 (5), 583-603.
- Barthel, D. (1989). *Historic Preservation: A Comparative Analyses*. London: Sociological.
- Burke, E. (2001). *A Philosophical Enquiry into the Origin of Our Ideas of the Sublime and Beautiful*. Oxford: Oxford University Press.
- Crites, S. (1971). The Narrative Quality of Experience. *The American Academy of Religion*, 3, 291-311.

- Erica Avrami, R. M. (2019). Values in Heitage Management: Emerging Approaches and Research Directions. In R. M. Eriva Avrami (Ed.), *Values in Heitage Management: Emerging Approaches and Research Directions* (pp. 5-10). Los Angles: Getty Conservation Institute.
- Gadamer, H. G. (1989). *Truth and Method*. London: Sheed and Ward.
- Hardy, B. (1968). An Approach through Narrative. In B. Hardy (Ed.), *Towards a Poetics of Fiction* (pp. 5-14). USA: Duke University Press.
- Hollis, E. (2010). *The Secret Lives of Buildings: From the Ruins of the Parthenon to the Vegas Strip in Thirteen Stories*. London: Portobello.
- Keitsch, M. M. (2020). Heritage, Conservation and Development. In W. M. Leal Filho (Ed.), *Sustainable Cities and Communities. Encyclopedia of the UN Sustainable Development Goals* (pp. 246-255). Norway: Springer, Cham.
- Lamarque, P. (2014). *The opacity of narrative*. London: Rowman & Littlefield International.
- MacIntyre, A. (1985). *After Virtue: A Study in Moral Theory*. London: Duckworth.
- Mink, L. O. (1972). Interpretation and Narrative Understanding. *Journal of Philosophy*, 69 (20), 735-737.
- Poullos, I. (2014). Existing approaches to conservation. In I. Poullos (Ed.), *The Past in the Present* (pp. 20-24). London: Creative Media Partnes.
- Ricoeur, P. (1991). The Creativity of Language in A Ricoeur Reader: Reflection and. In P. Ricoeur (Ed.), *The Creativity of Language In A Ricoeur Reader: Reflection and* (pp. 463-481). Toronto: University of Toronto Press.
- Rong, W. & Bahauddin, A. (2023). Narrative and heritage: Exploring the value of Chinese. *AIP Conference Proceedings*, Putrajaya, Malaysia, 3-5.
- Walter, N. H. (2014). From Values to Narrative: a new foundation for the conservation of historic buildings. *International Journal of Heritage Studies*, 20 (6), 642.
- Walter, N. H. (2020a). Narrative Time, history, and what happens next. In N. Walter (Ed.), *Narrative Theory in Conservation*. London: Routledge.
- Walter, N. H. (2020b). *Narrative: Time, Theory and What Happens Next*. London: Routledge.
- Walter, N. H. (2020c). The Narrative Approach to Living Heritage. *Protection of Cultural Heritage*, 113, 126-138.
- Wells, S. (1998). *Transforming fate into destiny*. In S. Wells (ed.), *Transforming fate into destiny*. Carlisle: Paternoster Press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

وفایی گیلوایی، کیمیا و مؤذن، سجاد. (۱۴۰۲). نگاه به بناها و شهرهای تاریخی به‌مثابه متن (رویکرد روایتگری در حفاظت). *مکتب احیاء*، (۱)، ۴۶-۵۱.



URL: <http://jors-sj.com/article-1-26-fa.html>
DOI: 10.22034/1.1.46